

# جریان

امیرعلی روشن

یک تنوری متعارف در باب نهاد و هنر وجود دارد که می‌گوید هنر نهادینه، هنر مرده است. اما به نظر می‌رسد این تنوری، جامع و کامل نیست و باید در این میانه استثنائاتی را هم لحاظ کرد. یا پیروزی انقلاب اسلامی ایران در جهت ایجاد پایگاهی برای هنرمندان مسلمان انقلابی، نطفه حوزه هنر اندیشه و هنر اسلامی (با عنوانی کوتاه‌تر، حوزه هنری) پسته شد که در این ۳۰ سال دارای فراز و نشیب‌های بسیاری بوده است. مقاله حاضر به کم و کیف فعالیت حوزه هنری در این ۳۰ ساله می‌پردازد.

نویسندگان، سینماگران و، در کنار نقاشان و تصویرگرانی که آرمان‌های انقلاب و فصل مشترک هنرمندی خود می‌دیدند گرد آمدند و در محلی که تا پیش از پیروزی انقلاب مرکز فرهنگی بهائیان ایران بود استقرار یافتند. در بحبوحه فعالیتات سیاسی و در غیاب سازمان‌های فرهنگی و هنری، همین مجموعه انقلابی، پذیرای هنرمندانی بود که هنر روزی را در انقلاب و با انقلاب آغاز کرده بودند هنرمندانی که از آثاره‌آمور این نهاد نوپا گرفته تا نگهبانی و حرارت از در ورودی تا پذیرایی منحصر از خود راه خود بر عهده داشتند. این نهاد نوپای انقلابی، با استقرار انقلاب و لزوم ایجاد ساختارهای اداری، در سال ۱۳۶۱ به سازمان تبلیغات اسلامی پیوست و «حوزه هنری» این سازمان عنوان یافت. محمدعلی زورچاهی جوانی که سابقه فعالیت‌های هنری هم داشته مدیریت این جمع هنری را بر عهده گرفت و این مرکز اندک‌کند که به پایگاهی برای هنرمندان مسلمان انقلابی تبدیل شد چهره‌هایی چون سیدحسن حسینی، سلمان هراتی، مرتضی آوینی، مجید مجیدی، سیدحسام‌الدین سراج، یوسف‌علی میرشکاکه، حسین خسروچردی، ناصر بلنگی و... که بعدها قوام‌دهندگان پدیدهای به‌نام هنر انقلاب اسلامی شدند همگی از حوزه آغاز کردند و در حوزه بالیدند و اثر چه سابقه هنری بعضی از آنها به پیش از انقلاب می‌رسد اما تشخص و فردیت هنری خود را با انقلاب و در جمع هنرمندان حوزه به دست آوردند. نشر کتب، تولید فیلم و آثار موسیقی، اجرای نمایش، برگزاری نمایشگاه‌ها، آثار تجسمی و برگزاری جلسات ادبی، از فعالیت‌های عمده حوزه هنری در سال‌های آغاز فعالیت خود است.

۳- در سال ۱۳۶۶، جمعی از هنرمندان حوزه از قبیل قیصر امین پور، سیدحسن حسینی، سلمان هراتی، محسن مخملباف و... در اعتراض به تغییراتی که در سیاست‌های مدیریتی حوزه رخ داده بود از حوزه خارج شدند. بعضی همچون محسن مخملباف به راه خود رفتند و

۱- نمی‌توان به بررسی مفهوم یا مصادیق «هنر و ادبیات دینی» نشست و از کنار «هنر و ادبیات انقلاب اسلامی» که مهم‌ترین و منسجم‌ترین تجلی هنر و ادبیات دینی در روزگار ماست به‌مسافتی گذشت و نمی‌توان «هنر و ادبیات انقلاب اسلامی» را واکنوی کرده‌بدون اینکه به نقش ویژه «حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی» که مهم‌ترین مقر هنرمندان انقلاب اسلامی بوده و هست توجه کرد. انقلاب اسلامی، در بست عکس آنچه بعضی مدعیان می‌گویند، نهادها هنر را تحقیر نکرد بلکه به آن اعتباری تازه بخشید. بررسی و شعیت سینما و موسیقی ۳۰ ساله بعد از انقلاب و مقایسه آن با روندی که پیش از انقلاب طی می‌کرده به خوبی گویای این مدعا است. موسیقی سنتی، هنرهای کلاسیک و تزئینی، تصویری چون گرافیک، نگارگری و خوشنویسی و بسیاری دیگر از شاخه‌های هنری، پس از انقلاب رشد چشمگیر کمی و کیفی‌ای داشته‌اند. انقلاب اسلامی در سبایه و رهنمودهای امام خمینی از طریق تعریفی از هنر مطلوب خود را که داده تصویرری که هم‌با هنر ایندولوزی زده چپ و هم با هنر ایدئولوژیستی غرب تفاوت ماهوی دارد. هر چند مدیران فرهنگی جمهوری اسلامی هنوز که هنوز است نتوانسته‌اند نظامی مدیریتی را برای خلق چنین آثاری فراهم کنند اما چشم‌اندازی که با اشارات امام خمینی «قراری آنان باز شده است» آن قدر روشن و واضح هست که به بهانه وجود خلأهای تنوری یک تنویر از حرکت به سوی آن شاه خالی کرد. هنر در مدرسه عشق، نشان دهنده نقاط کور و مبهم مصلحت‌اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و نظامی است و «هنر در عرفان اسلامی» ترسیم روشن عدالت و برقرارت و تصادف و تجسم تاخکلی گرسنگان مضروب قدرت و پول است.

۲- نطفه مجموعه‌های که بعدها حوزه هنر اندیشه و هنر اسلامی نام گرفت در نیمه‌های سال ۱۳۵۷ با نمایشگاه آثار جولان انقلابی در حسینیه ارشد و تیر با تشکیل همین نمایشگاه در زیرزمین سینما بهمن و با حضور شه‌برجایی بسته شد. دیری نپایید که جمعی از شاعران



حوزه هنری به عنوان نهاد  
تنویری پیروز هنری و پیش  
قدمتی از امکانات خود  
را صرف چاپ آثار هنری  
شاعران و نویسندگان می‌کرد  
انقلاب کرده‌ای از این آثار  
مجموعه‌ای از شاعران و  
هنرمندان انقلابی است  
چندین اثر به‌سرعت  
منتشر و پخش شد  
کتاب‌های این کتاب  
که اولین بار در سال ۱۳۶۰  
منتشر شد و تا پیشتر  
کتاب‌های شاعران انقلاب در  
کتابخانه‌های



بعضی دیگر همچون قیصر امین پور و سید حسن حسینی تشکلی دیگر تأسیس کردند اما آنچه موجب رنجش هنرمندان مستعفی شده بودند نه تنها متوقف نشد بلکه از سال ۱۳۷۰ سرعت بیشتری هم گرفت. در این سال، محمد علی زم تصمیم گرفت برای کسب درآمد و استقلال بیشتر از سازمان تبلیغات اسلامی، فعالیت‌های اقتصادی را هم در دستور کار حوزه هنری قرار دهد. به همین منظور «معاونت خودکفایی حوزه هنری» ایجاد شد که سرآمد فیلمسازی و هنرهای دیگر، تأسیس دانشگاه غیرانتفاعی سوره، ساختن پاساژ در پاساژ تهران، عملیاتی در زمینه دستکلهای کپی و چاپ و خرید و فروش کالاها و دیگر، ابتدای راهی بود که زم برای درآمدزایی انتخاب کرده بود. سیاست‌های سینمایی حوزه از جمله تولید فیلم‌های «دم برقی» و «دیار» چالش‌نازه را میان مجموعه حوزه هنری و منتقدانش رقم زد. این اقدام به‌قلمی به دست منتقدان حوزه داد تا با محابا به حوزه و سیاست‌های فرهنگی‌اش بی‌تازند. اگر چه آدم برقی مجوزهای لازم برای بدعت حضور یک بازیگر مرد در نقش یک زن را در اختیار داشت اما مدیران حوزه تصمیم گرفتند برای جلوگیری از تنش که این فیلم و فیلم چند روز روشن کرده بود، دنباله موضوع را نگیرند و اجازه دهند گذشت زمان موضوع را فیصله دهد. حوزه در این سال‌ها تغییرات زیادی کرده بود. خلق آثار انقلابی برای تبیین هنری آرمان‌های انقلاب، جای خود را به تولید آثار پر مخاطب و سالم داده بود. سیاست‌های توسعه‌ای دولت وقت بر حوزه هنری هم اثر گذاشته بود و حوزه هم به توسعه می‌اندیشیده توسعه مخاطب، توسعه درآمد و توسعه هنرمندان همکار. نشریه «سوره» وابسته به حوزه هنری در سال ۱۳۶۸، به سردبیری سید محمد آوینی جهت ایجاد پایگاهی منسجم و منظم برای تئوری پردازان و هنرمندان انقلاب اسلامی فلسفین شد. در سال ۱۳۶۹ سردبیری این نشریه به سیدمرتضی آوینی تقویض شد. آوینی به دلیل علاقه‌اش به مباحث سینمایی تلاش کرد مقالات نظام‌یافته و تئوریک در باب ماهیت معنوی سینما و خاصه سینمای پس از انقلاب اسلامی و رسالت آن منتشر کند. در واقع سیدمرتضی آوینی با وجود به مجموعه سوره نوشتن به رغم اختلاف نظر و آزم (مدیر حوزه هنری) دلبستگی‌های شخصی و فردی‌اش را در قالب آن نشریه سازماندهی کند. به نحوی که امروزه نشریه «سوره» حتی پس از شهادت او همچنان با نام وی گره خورده است. آوینی که شویب با طرح مباحثی در باب سینمای دینی ایران که در آن دوره نوبت به نظر می‌رسید به دفاع از موجودیت آن بپردازد و آن را به عنوان یکی از دستاوردهای مهم انقلاب اسلامی به جلوه فرهنگی ایران معرفی کند البته نباید از نظر دور داشت که شهید آوینی علاوه بر توجه

جدی به مسئله سینما به ادبیات، فاشی، تئاتر، سینما و هم در «سوره» نگاهی متعهدانه و در راستای آرمان‌های انقلاب اسلامی داشت. موضوعات بنیادینی که در زمان سردبیری شهید آوینی در «سوره» به آن پرداخته شد تحت عنوان حقیقت هنر، هنر و عرفان، هنر جدید، هنر دینی و سنتی و هنر انقلاب، بازتابی واحد از عینی اصلی سوره در جهت تثبیت تئوریک نظام فرهنگی جمهوری اسلامی ایران بود. در مجموع فعالیت‌های شهید آوینی در حوزه هنری و سوره منجر به تأسیس مجموعه نشریات تخصصی در قلمرو هنر و ادبیات شد که از جمله آنها می‌توان به نشریات ادبیات داستانی و نقد سینما اشاره کرد. اما آوینی سینماگر همواره میان موافقان و مخالفانش خطوط تردیدی را رقم می‌زد. این تردید از آنجاست که می‌گوید که عدلی از مخالفان وی بر این باورند که شهید آوینی سینما را به مثابه ابزار برای لیدرگون می‌پنداشت که باید در کار بازنمایی سیاست‌های فرهنگی انقلاب اسلامی باشد. برخلاف دوستان آن وی بر این اعتقادند که آوینی توانست بیشتر سبک و عظیمی برای سینمای معناگرا و انقلاب اسلامی ایجاد کند که بعدها در چهاره‌هایی چون «بر لیم حانسی» که مجد مجیدی، ناوود میر باقری و احمدک یافت، اما آوینی سینماگر را در بستری ملموس تر یعنی حوزه هنری قرار دهدیم و او را به مثابه یکی از سیاستگذاران فرهنگی آن نهاد به شمار آوریم. می‌توان اذعان کرد که آوینی به همان میزان که به ارزش‌ها و آرمان‌های انقلاب اسلامی داور داشت و صادق بوده به همان میزان و به دلیل تخصص و مهارتش در حوزه معماری توانست تصویری جدید از انقلاب اسلامی ایران خلق کند که چه پهنه‌ها فاصله پس از شهادت او این تصویر مشمول سوسیتهای مخالفان و موافقانش شد. آوینی به هیچ وجه سینما را ابزار نمی‌دید و نمی‌دانست بلکه او در راه تن زدن از تاریخ رسمی سینمای غرب، دنبال گونه‌های شیوه و بصیرت نهفته در سینما به عنوان موجودیتی معنوی بود که می‌تواند ارزش‌های راستین الهی و معنوی خلق کند. لویه دلیل مهارت و تخصصش در معماری، به خوبی بانکات و نقاط فنی و سیکی سینما آشنا بود و مساله فاصله زمان، نورپردازی، قاب‌بندی، تصویر، حرکت در فیلم و سایر سینما درک می‌کرد. این آشنایی و مهارت به توان این امکان را می‌داد تا بیشتر و بیشتر بتواند به چه درون ماندگرا و معنوی سینما فکر کند و اصطلاحاً آن را «نویز» کند. مجموعه روایت «فنج» تلاشی است در جهت هم‌راستایی و همسازي فرم و محتوای سینمای معنوی که در قالب یک فیلم مستند عقیدتی به نمایش درآمد و همچنان تا به امروز محل توجه منتقدین است. یکی دیگر از چهاره‌های تأثیرگذار حوزه هنری سیدمرتضی شجاعی بود که توانست رویکرد دینی و معنوی به



عالم‌نامه سرور می‌باشد  
 آرم‌کسی آثار و عقیده‌های  
 هنری بسیاری از هنرمندان  
 و شاعران که متعلق  
 انقلاب و هر منافع مسلح  
 فلسفی و فرهنگی  
 پیدا آمدن کتب بسیار  
 این مکتب‌ها در دوره‌های  
 سال‌های ۱۳۶۸ منتشر شد  
 و هم‌اکنون در سوره  
 از این شماره به‌جای جلد  
 پیام هم‌عنوان شده‌است  
 آرمه‌ای بسیار نفیس  
 آگونی جای برادر  
 کوچک‌ترین گرفتار  
 کارکنان و مأموران  
 کارکنان و مأموران

اندیکت دست‌ان را پس از انقلاب اسلامی مطرح کند. او یکی از نخستین نویسندگان انقلاب به‌شمار می‌آید. شجاعی توانست با تألیف انتشارات بر گمان بسیاری از نویسندگان و شاعران انقلاب اسلامی را منتشر کند.

۴. در سال ۱۳۸۲، مهندس حسن بنیادیان به عنوان چالش‌ساز زم به حوزه هنری آمد تا به بحران‌هایی که گریبان حوزه را گرفته بود، خاتمه دهد. بنیادیان مجموعه‌ای را از محمدعلی زم تحویل گرفت که تا آن روز نه تحویل داده شده بود و نه تحویل گرفته شده بود. حوزه هنری در این سال‌ها با مدیریت زم خو گرفته بود و به هر تقدیر، مهم‌ترین حلقه هنر انقلاب شمرده می‌شد. زم با منش مدیریتی ویژه خود، به خوبی توانست بود فعالیت‌های هنری جمع‌کنندگی از هنرمندان را سامان دهد. اما بنیادیان برای تعامل با این جمع ویژه با مشکلاتی مواجه شده مشکلاتی که در طول زمان تعیناً مرتفع نشد، بلکه تحکیم شد. در طول این سال‌ها گنگانه چون زخمی که نه دهن بزم می‌کند و اختلالات و تشویشاتی را در حوزه موجب می‌شود پس از رفتن محمدعلی زم، حسن بنیادیان ضمن وعده تمهیل کردن فعالیت‌های اقتصادی، معاونت خود کفایتی حوزه را از یاد دشمن به این اقدامات بر حذر داشته. با این حال در حال حاضر، حوزه هنری اگر چه از فعالیت‌های دخترتانی کنار گرفته اما در زمینه تولید و توزیع چاپی (چاپی نمونه) فعالیت می‌کند. حوزه هنری همچون با شرکت‌های هواپیمایی سوریه در ارتباط است و نمایندگی بعضی از تجهیزات لوازم التحریر را هم در اختیار دارد. بنیادیان که معتقد است هائسغه وجودی حوزه هنری شفاف‌سازی رابطه دین و هنر است، در باره فعالیت‌های اقتصادی حوزه که هنگام انتشارش وعده تمهیلی آنها را داده بود می‌گوید: «من ناچارم برای پر کردن هزینه‌های حوزه هنری به بخشی از فعالیت‌های گذشته ادامه بدهم و این یک بحث عقلی است». شاید به دلیل همین فعالیت‌های مدیریتی باشد که بخشی از هنرمندان دوران مدیریت زم بر حوزه هنری را از دوران مدیریت بنیادیان موفق‌تر می‌دانند. علیرضا قزوینی، شاعر - چهره معتقد است: «همه این است که شخصی که در رأس حوزه هنری می‌نشیند دیدگاه فرهنگی داشته باشد، نه دیدگاه اقتصادی. به نظر من در این خصوص دوره آقای زم خوب بود. البته این بدان معنا نیست که دوباره همان کارها انجام شود. سقف فن‌فنون‌ها ما دیگر به اندازه دهه ۶۰ و ۷۰ نیست و باید بهتر از آقای زم کار کرد. در اندازه تمام حوزه هنری نیست که با آن بودجه کلان، سال‌های اخیر را با سر نرزی بگذراند و هیچ هنرمندی را به جامعه معرفی نکند». حسین خسرو جردی، نقاش، مجسمه‌ساز و استاد دانشگاه - هم مشکل اصلی حوزه را عدم توجه کلان به فرهنگ می‌داند و می‌گوید: «این روزها خود آقای بنیادیان به این موضوع اعتقاد پیدا کرده‌اند که اگر آقای زم در این مدیریت می‌ماند خیلی کارهای بهتری انجام می‌شد. ایشان شاید در ابتدای حضور خود این موضوع را باور نداشتند. با توجه به بافت جدید حوزه هنری، به راحتی می‌توان در بافت که مدتی است همان سیاست‌های آقای زم در تولید قرار گرفته‌اند، متقدم که حوزه هنری هیچ مسیری راه‌نی نمی‌کند و به آن معنا کثرتی انجام نداده است». ابوالفضل

زوی نصرانی نویسنده و طنزپردازی که به‌تکراهی مدیر دفتر طنز حوزه هنری بوده است هم می‌گوید: «تکراهی که سازمکن تبلیغات به حوزه هنری دارد در حد یک روابط عمومی و معاونت هنری است. فراموش نکنیم که چندین هنرمند توانمند حوزه هنر، مانند که شاید روش‌های بی‌بسیار بگویند کارمند حوزه هنری هستند و حتی کارمند سبزی باعث شده که نگاهشان به گونه‌ای دیگر شود و کم‌کار شوند. باید منتظر و نگاه سیاستگذاران حوزه هنری تغییر کند و بیفتد. هنوز یک‌کسر هنری می‌تواند در حوزه هنری خلق شود». مدیریت نابجا و غلط و عدم وقوف مدیران بخش‌های مختلف به کارهای هنری از مهم‌ترین نقدهایی است که به حوزه هنری وارد می‌شود. سیدعلی میرفتاح - گرافیسیت و روزنامه‌نگار و سردبیر هفته‌نامه موفق مهر در دوران مدیریت محمدعلی زم - این گونه زبان به انتقاد از حوزه می‌گشاید: «حوزه هنری یک اداره پرکارمند و شاوخی است که کار خاصی انجام نمی‌دهد. به دلیل مدیریت نابجا، غلط و ناکارآمد حوزه هنری و عدم وقوف مدیران بخش‌های مختلف به کارهای هنری و ناآشنایی به فرهنگ و هنر انقلاب تمام استعدادها و کارهایی که در حوزه هنری آغاز شده بود به‌طور کلی دچار لغت و رخوت شد. این رخوت به حدی رسیده که دیگر پدیمان رفته‌چاپی به‌نام حوزه وجود دارد. حوزه هنری یک خطب بزرگ هنری کشور بود اما امروزه به یک اداره تبدیل شده که تولید بیرونی و محاصل اصولی ندارد. مدیران حوزه هنری حتی فکر و ذهن اقتصادی هم ندارند».

۵. امروزه حوزه هنری سازمکن تبلیغات اسلامی علاوه بر در اختیار داشتن میهن‌های متعدد در سراسر ایران و درآب‌و‌هوا و واحد‌های دفتر هنری‌ای چون پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی واحد تجسمی، مرکز مطالعات و تحقیقات فرهنگ و ادب پایتختی، واحد آفرینش‌های ادبی، واحد موسیقی و سازمکن توسعه سیمایی، سورس‌های و چاپی چون شرکت‌های سورس مهر، سورس مقام و همچنین مجلات متعدد تنها بنیادنی است که مولژی با وزارت ارشاد به تولید و توزیع محصولات هنری و فرهنگی می‌پردازد و با همه تفاسیلی که ذکر شد، هنوز کمترین مأمور هنرمندان مسلمان است. حوزه هنری شاید تنها مرکز بزرگ فرهنگی و هنری‌ای است که تغییر دولت‌ها و شهرداری‌ها و بر سر فعالیت‌هایش تأثیر مستقیم ندارد. همچنین حوزه هنری تنها مرکز است که طیف‌های متنوع و گاه متناقضی از هنرمندان را در خود جای داده است. از علی معلم دلفغانی و یوسف‌علی میرشکاک و سیدحسین حسینی گرفته تا ناصر ابراهیمی و منوچهر احتراسی، از رضا میرحسینی و احمد دهقان و محمدرضا پایرامی گرفته تا محمدرضا سرشار و رانیه تجار و فیروز زوزی جلالی، از حسام‌الدین سراج و عبدالعزیز حسین محتاج گرفته تا محسن ناصحی و از محمدنوری زاد و جمال شورجه گرفته تا مجید مجیدی و محمدرضا هنرمند و رضا میرکریمی، همه و همه نام‌هایی هستند که لااقل در دوره‌هایی از فعالیت هنری خود در حوزه هنری حضور داشته‌اند. حوزه هنری با تمام افتخاراتی که بر عملکردش وارد است، هنوز مهم‌ترین مجموعه فرهنگی و هنری انقلاب اسلامی است.

# حوزه هنری تنها مرکز است که طیف‌های متنوع و گاه متناقضی از هنرمندان را در خود جای داده است. از علی معلم دامغانی و یوسف علی میرشکاک و سید حسن حسینی گرفته تا نادر ابراهیمی و متوجه احترامی و عمران صلاحی

## اساسنامه حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی

عاده: نام

حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، نهادی است که جهت رشد و شکوفایی قدیمه و هنر فعالیت می‌کند و در این اساسنامه به اختصار حوزه نامیده می‌شود.

عاده ۲: شخصیت حقوقی

حوزه هنری نهادی است فرهنگی و هنری که از نظر حقوقی مستقل بوده و وابسته به سازمان تبلیغات اسلامی است.

عاده ۳: مدت فعالیت

دوران فعالیت حوزه از تاریخ تاسیس نامحدود بوده و انحلال یا خامه ماموریت آن فقط با تصویب نهایی شورای سیاستگذاری حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی امکان پذیر است و کلیه اسامی و داری‌های آن پس از انحلال به سازمان تبلیغات اسلامی منتقل خواهد شد.

عاده ۴: اهداف

۱- فراهم ساختن زمینه رشد و شکوفایی و گسترش هنر مبتنی بر معرفت اسلامی و متعهد به ارزش‌های انقلاب اسلامی

۲- بهره گرفتن از هنر در تبیین و ترویج مبانی و ارزش‌های اسلامی و فضایل اخلاقی

۳- تبیین و معرفی روجه گوناگون و ویژگی‌های ذاتی و فنی هنر و ادبیات اسلامی

۴- دفاع از آرمان‌ها و اصول انقلاب اسلامی از طریق شناخت علمی و دقیق جریان‌های هنری معارض یا تکرار اسلامی و کشف راه‌های اصولی مقابله فرهنگی با آنها

۵- ایجاد زمینه رشد استعدادهای خلاقیت‌های هنری و ادبی از طریق شناسایی، تربیت، تقویت و معرفی هنرمندان برجسته مسلمان

۶- ایجاد جریان‌های هدایت‌گر هنری بر بنیاد تولید و نمونه‌آفرینی هنری و ادبی

عاده ۵: وظایف

وظایف اصلی حوزه عبارتند از:

۱- مطالعه و تهیه و تنظیم سیاست‌ها و برنامه‌های مناسب جهت گسترش هنر اسلامی

۲- اجرای سیاست‌ها و برنامه‌ها در ایام و زمینه‌های مختلف هنر و ادبیات انقلاب اسلامی

۳- تلاش جهت شناسایی و به کارگیری نیروهای متعهد و جوان در مقولات هنری

و ادبی و شکوفایی استعدادهای آنان

۴- انجام مطالعات و پژوهش‌های مورد نیاز

۵- تولید و نمونه‌آفرینی‌های هنری و ادبی

۶- هدایت و پشتیبانی انجمن‌ها و تشکل‌های اسلامی - مردمی در حوزه هنر

۷- ایجاد زمینه‌های تجمع و تشکل هنرمندان مسلمان و متعهد و بهره‌گیری از توانایی‌های آنان

۸- برخورد منتقدانه و هدایت‌گرانه با معاندین و معارضین هنر اسلامی

۹- اهتمام در ایجاد انگیزه‌های اسلامی و تقویت خلاقیت‌های هنرمندان متعدد

۱۰- تولید و عرضه آثار و فرآورده‌های هنری و ادبی مورد نیاز

۱۱- ایجاد مراکز پژوهشی، آموزشی و تربیتی هنری

۱۲- ارتباط با مراکز و موسسات فرهنگی و هنری اسلامی

۱۳- ایجاد و اداره مراکز اطلاع‌رسانی در زمینه هنر اسلامی

۱۴- برگزاری مشارکت و شرکت در مسابقات و جشنواره‌های ادبی و هنری اسلامی

عاده ۶: ارکان

ارکان حوزه عبارتند از:

۱- شورای سیاستگذاری

۲- رئیس حوزه

۳- رکن نظارتی

عاده ۷: منابع مالی

۱- استفاده از کمک‌های مقام معظم رهبری

۲- استفاده از اعتبارات ردیف‌های قانون بودجه سالانه کشور

۳- استفاده از کمک‌های سازمان تبلیغات اسلامی

۴- استفاده از درآمد حاصله از فعالیت‌های هنری

۵- استفاده از کمک‌های نقدی و غیرنقدی اشخاص حقیقی و حقوقی که به عنوان هدیه یا تصویب شورای سیاستگذاری می‌تواند در اختیار حوزه قرار گیرد

۶- استفاده از اعتبارات و تسهیلات نظامی

عاده ۸: تغییرات اساسنامه

هر گونه تغییر و تکمیل مفاد اساسنامه منوط به تصویب دفتر مقام معظم رهبری است.



فقرت‌های سیاسی  
وجود هر حوزه هنری - چه  
به اهداف و فعالیت‌های هنری و چه  
منظر تفکر مدنی - سیاسی  
بر حوزه - شرایط مساعدت  
سیاسی از طرف حاکمیت  
و نیز فراهم‌سازی  
تسهیل‌آمیزی (۱۳۷۳)  
ساخته شود و تصویر هنری که در  
زمان ساخت به احادیثی  
ضرر ایجاد فرهنگی و اجتماعی  
از آن بر آن جلوگیری  
معمول است اما با پیگیری‌های  
کارگزاران روحی و سیاسی و ادبی  
حوزه هنری، توجیه پس از  
کمال‌الخطای جلاله موجود  
پیش گرفت و به توفیق  
۱۳۶ میلیون تومان از آن کتاب  
بر فروش نوبت به اصلاح  
و نیز از آن حوزه ساخت.